بررسی و واکاوی اولین زیارت مطلقه امام حسین علیه‌السلام ـ جمال فرزند وحی، مجتبی زینی‌وند
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال یازدهم، شماره ۴۴ «ویژه حدیث»، پاییز ۱۳۹۳، ص ۶۹ ـ ۹۳

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

بررسی و واکاوی اولین زیارت مطلقه امام حسین علیه‌السلام

جمال فرزندوحی *
مجتبی زینی‌وند **

چکیده: زیارت مطلقهٔ امام حسین علیه‌السلام حدیثی صحیح و معتبر است که از زمان امام صادق علیه‌السلام روایت شده است. در این گفتار، ابتدا سند و اعتبار آن اثبات می‌شود، آنگاه نگارنده به بررسی محتوای آن می‌پردازد که جمعاً چهل پیام اصلی در بر دارد: چهار سلام، شش شهادت، چهار اقرار، سه درخواست، چهارده منزلت اهل بیت، پنج نفرین، دو حمد، یک سلام و یک برائت.

نگارنده در هر بخش، در مورد پیامهای آن تحقیق کرده و معانی آنها را بیان می‌دارد. یعنی بررسی سندی و دلالی این زیارتنامهٔ معتبر را ارائه می‌کند.

کلیدواژه‌ها: امام حسین علیه‌السلام- زیارت/ زیارت امام حسین علیه‌السلام- بررسی سندی/ زیارت امام حسین علیه‌السلام- بررسی دلالی.

---

*. استادیار دانشگاه رازی. farzandwahy@yahoo.com
**. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام. jahad4@chmail.ir

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

مقدمه

یکی از زیاراتِ مطلقه حضرت امام‌حسین علیه‌السلام که مقید به زمان و مکان خاصی نیست؛ زیارتی است که ابن قولویه در باب ۷۹ کامل الزیاره آن را به عنوان نخستین زیارت از بین پانزده زیارتی که نقل نموده، آورده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ۱۹۵). شیخ عباس قمی نیز در مفاتیح الجنان آن را به عنوان نخستین زیارت، از زیارتهای هفت گانه مطلقه برای حضرت امام حسین علیه‌السلام نقل می‌نمایند (قمی، ۱۳۸۵ش،۵۱۳). این زیارت همواره مورد توجه بزرگان بوده و هست؛ به گونه‌ای که علامه امینی(ره) در تعلیقات خود بر کامل الزیارات بر اهمیت آن تأکید می‌ورزند (ابن قولویه،۱۹۵). این زیارت در کتابهای الکافی، من لا یحضره الفقیه، التهذیب، الوافی، وسایل الشیعه و بحارالانوار دیده می‌شود. این زیارت دارای چهار سلام[۱]، شش شهادت[۲]، چهار اقرار[۳]، سه درخواست[۴] چهارده شأن و منزلت برای اهل بیت[۵]، پنج لعنت[۶]، دو حمد[۷]، یک سلام[۸] و یک برائت[۹] جمعا در۴۰ فقره طبق ضبط ضبط محدث قمی است.

۱- واژه‌شناسی

زیارت: قَصَدْتُ زَوْرَه مثل عبارت وَجَهْتُه یعنی با او رو برو شدیم. چهره به چهره اصطلاحی است که در زبان فارسی و برخورد و دیدار حضوری به کار می‌رود. رجل زَائِرٌ

---

۱. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ ابْنَ حُجَّتِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ اللَّهِ وَ ابْنَ قَتِيلِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وِتْرَ اللَّهِ الْمَوْتُورَ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ.

۲. أَشْهَدُ أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ .أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ ابْنُ حُجَّتِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَتِيلُ اللَّهِ وَ ابْنُ قَتِيلِهِ .أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ وَ نَصَحْتَ.

۳. أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ مَوْلَاكَ وَ فِي طَاعَتِكَ وَ الْوَافِدُ إِلَيْكَ.

٤. أَلْتَمِسُ كَمَالَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللَّهِ وَ ثَبَاتَ الْقَدَمِ فِي الْهِجْرَةِ إِلَيْكَ وَ السَّبِيلَ الَّذِي لَا يَخْتَلِجُ دُونَكَ مِنَ الدُّخُولِ فِي كَفَالَتِكَ الَّتِي أُمِرْتَ بِهَا.

٥. مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِكُمْ، بِكُمْ يُبَيِّنُ اللَّهُ الْكَذِبَ وَ بِكُمْ يُبَاعِدُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْكَلِبَ وَ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ ...وَ بِكُمْ تُسَبِحُ الْأَرْضُ .

٦. لُعِنَتْ أُمَّةٌ قَتَلَتْكُمْ وَ أُمَّةٌ خَالَفَتْكُمْ وَ أُمَّةٌ جَحَدَتْ وَلَايَتَكُمْ وَ أُمَّةٌ ظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ وَ أُمَّةٌ شَهِدَتْ وَ لَمْ تُسْتَشْهَدْ.

۷. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَثْوَاهُمْ وَ بِئْسَ وِرْدُ الْوَارِدِينَ وَ بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

۸. وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ.

۹. أَنَا إِلَى اللَّهِ مِمَّنْ خَالَفَكَ بَرِيءٌ.

و قوم زَوْرٌ مرد و قومی زیارت کننده مثل سافر و سفر. هر گاه گفته شود؛ رجل زَوْر مصدری است به صورت صفت مثل ضیف یعنی مهمان. (راغب اصفهانی،۱۳۷۴، ج۲،۱۶۲) زُرْتُ فلانا: تلقّیتُه (مصطفوی،۱۳۶۸، ج۴، ۳۶۴). زیارت در لغت عبارت از تمایل و میل کردن است؛ خواه از دور باشد یا از نزدیک و خواه با گرایش قلبی و قصد همراه باشد یا نه. در اصطلاح دینی زیارت تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسّی، قلب هم گرایش جدی پیدا کرده و نسبت به مزور با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲۰)

۲- بررسی سند زیارت مطلقه

سند این زیارت درکتب روایی به شرح ذیل می‌باشد:

– عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثُوَيْرٍ (کلینی، ۱۴۰۷، ج۴، ۵۷۵)

– حسن بن الراشد مولي بني العباس (امامي ثقه علي التحقيق) عن الحسين بن ثوير ابن ابي فاخته (امامي ثقه) عن الصادق علیه‌السلام (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج۲، ۵۹۴)

– مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكُلَيْنِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثُوَيْرٍ (طوسی،۱۴۰۷، ج۶، ۵۴)

– العدة عن أحمد عن القاسم عن جده عن الحسين بن ثوير (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج۱۴، ۱۴۸۶)

– مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثُوَيْرٍ (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج۱۴، ۴۹۰)

– عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثُوَيْرِ بْنِ أَبِي فَاخِتَةَ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱۵۱،۹۸)

اسناد شیخ طوسی، فیض کاشانی و شیخ حر عاملی همان سند کلینی است و در سند الکافی چهار نفر وجود دارد که به ترتیب با توجه به کتب رجالی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

– **احمد بن محمدبن‌عیسی‌الاشعری**: از عبدالله بن ابی‌رافع‌صحابی، خزانه‌دار و کاتب حضرت علی علیه‌السلام در نیمه دوم قرن اول هجری روایت کرده است. وی در نقل روایت از ضعفاء نهی می‌کرد. (ابن غضائری، ج۱، ص۳۹و۶۷)

در خلاصه اقوال علامه آمده است: أحمد بن محمد بن عيسى‌بن عبد الله بن سعد بن مالك بن الأحوص بالحاء غير المعجمه بن السائب بن مالك بن عامر الأشعري من بني ذخران لقي أبا الحسن الرضا علیه‌السلام و أبا جعفر الثاني و أبا الحسن العسكري علیهماالسلام و كان ثقة و له كتب (علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ۱۴) آیت الله خویی وی را ثقه می‌داند. (خویی، ج۲، ۲۹۶)

– **قاسم بن یحیی بن الحسن بن راشد**: نجاشی در کتاب رجالِ خود نام ایشان را ذکر نموده است (نجاشی، ج۱،۳۱۶)؛ اما در خصوص وی اظهار نظر نکرده است. باید دانست که نجاشی علمای شیعه را در کتابش نام می‌برد و اگر غیرشیعی را ذکر نماید؛ به مذهب وی تصریح می‌کند. و با عنایت به اینکه اگر در جایی نجاشی راوی را مهمل گذاشته است؛ و بر ثقه بودن و ضعیف بودن آن دلالت ندارد؛ مذهب او را صحیح می‌داند. لذا می‌توان گفت که قاسم بن یحیی صحیح المذهب است. آیت‌الله خویی در رقم۲۸۱۲ در شرح حسن بن راشد مولی بنی العباس می‌نویسد: القاسم بن یحیی و هو ثقه علی ما یاتی (خویی، ج۴، ۳۲۴).

– **حسن بن راشد مولی‌بنی‌العباس**: شیخ طوسی در فهرست (ص ۱۳۵) و رجال (ص۱۸۱) خود نام ایشان را ذکر نموده است. وی جزء مصنفین شیعه و صاحب تصنیف بود. معجم الرجال آیت‌الله خویی او را امامی و ثقه معرفی نموده است (خویی، ج۴، ۳۲۲)

– **حسین بن ثویرابی‌فاخته**: نجاشی وی را ثقه می‌داند. (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۵۵) شیخ طوسی وی را هاشمی و مولاهم (طوسی،۱۳۷۳ش، ص۱۸۲) معرفی می‌نماید. آیت‌الله خوئی در رقم ۳۳۲۷ وی را ثقه می‌داند. (خویی، ج۵، ۲۰۷)

با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد سند کلینی و شیخ صدوق و شیخ طوسی،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

از نظر اسناد مسند، و صحیح می‌باشند. سند فیض کاشانی و شیخ حر عاملی نیز مسند و صحیح است. زیرا که اسنادشان همان اسناد کافی است. اما مجلسی(ره) از کتاب کامل الزیاره ابن قولویه قمی (م۳۶۷) که یکی از بهترین شاگردان محمد بن یعقوب کلینی و از برجسته‌ترین مشایخ شیخ مفید به شمار می‌آید؛ این زیارت را نقل می‌نماید. در سند وی پنج فرد وجود دارد: عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثُوَيْرٍ (ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ص۱۹۷) در خصوص سعدبن‌عبدالله، آیت‌الله خوئی(ره) در معجم‌الرجال حدود پانزده صفحه در رقم ۵۰۴۸ بحث می‌نماید. و از نجاشی و شیخ طوسی نقل نموده که وی فقیه، جلیل القدر، واسع الاخبار و کثیر التصانیف است. و در پایان می‌گوید: فان سعد بن عبدالله ممن لا کلام و لا اشکال فی وثاقته (خویی، ج۸، ۷۶) با توجه به مطلب فوق و عظمت کتاب کامل الزیاره، وثاقت سندِ زیارت بالا می‌رود و زیارت از سندی صحیح و مسند برخوردار است.

۳- اختلاف متن زیارت مطلقه در کتب روایی

۳-۱- در الکافی جملهٔ: وَ السَّبِيلَ الَّذِي لَا يَخْتَلِجُ دُونَكَ مِنَ الدُّخُولِ فِي كَفَالَتِكَ الَّتِي أُمِرْتَ بِهَا بدین شکل: السَّبِيلَ الَّذِي لَا يُخْتَلَجُ دُونَكَ مِنَ الدُّخُولِ فِي كَفَالَتِكَ الَّتِي أُمِرْتَ بِهَا آمده است. و نسبت به نقل شیخ عباس قمی(ره) در کلمه لَا يُخْتَلَجُ متفاوت است.

و جملهٔ: وَ بِكُمْ تُسبَحُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ بدین شکل: وَ بِكُمْ تَسِيخُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ نقل شده است. و در کلمه تَسِيخُ با نقل شیخ عباس قمی متفاوت است.

۳-۲- شیخ صدوق فراز السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ اللَّهِ وَ ابْنَ قَتِيلِهِ و نیز: وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَتِيلُ اللَّهِ وَ ابْنُ قَتِيلِهِ را نقل نکرده است و جملهٔ: مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِكُمْ را سه بار تکرار نموده است. و جملهٔ: وَ أُمَّةٌ شَهِدَتْ وَ لَمْ تُسْتَشْهَدْ را بدین شکل ضبط نموده است: أُمَّةٌ شَهِدَتْ وَ لَمْ تَنْصُرْكُمْ.

۳-۳- شیخ طوسی در تهذیب جملهٔ: جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَ مُسْتَشْهَداً وَ شَاهِداً وَ مَشْهُوداً را این چنین ضبط نموده است: جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَ مَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً بَرّاً وَ مُسْتَشْهَداً وَ شَاهِداً وَ مَشْهُوداً. در دو کلمه ربک و برا متفاوت است. و نیز جملهٔ: وَ بِكُمْ تُسَبحُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ وَ تَسْتَقِرُّ جِبَالُهَا عَنْ مَرَاسِيهَا إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ وَ الصَّادِرُ عَمَّا فَصَلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ را این چنین می‌آورد: وَ بِكُمْ تُسَبحُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ وَ تَسْتَقِلُّ جِبَالُهَا عَنْ مَرَاسِيهَا إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ وَ الصَّادِرُ عَمَّا نُقِلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ. در دو کلمه تستقل و نُقِلَ با نقل شیخ عباس قمی متفاوت است.

۳-۴- در کتاب وافی جملهٔ: وَ بِكُمْ يَفُكُّ الذُّلَّ مِنْ رِقَابِنَا بدین شکل آمده است:

بکم یفک رقابنا من النار (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج۱۴، ۱۴۸۷)

۳-۵- شیخ حر عاملی در جملهٔ: أَشْهَدُ أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ وَ اقْشَعَرَّتْ لَهُ أَظِلَّةُ الْعَرْشِ وَ بَكَى لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ جمله بَكَى لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ را نیاورده است. (شیخ‌حرعاملی، ۱۴۰۹، ج۱۴، ۴۹۰)

۳-۶- مجلسی که در بحار از کتاب کامل الزیارات نقل می‌کند؛ جملهٔ: مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِكُمْ را سه بار تکرار می‌نماید. و جملهٔ: الصَّادِرُ عَمَّا فَصَلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ را، الصَّادِقِ عَمَّا فَصَلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ. ضبط نموده است.

به نظر می‌رسد با توجه به نزدیکی نقل مفاتیح الجنان به نقل کتاب کامل الزیارت بهترین نقل همان ضبط شیخ عباس قمی(ره) است.

۴- توضیحاتی در مورد سلام‌های زیارت

سلام بر امام حسین علیه‌السلام معانی و پیامهای عمیق و مهمی در بر دارد.

در مورد معنای سلام بر امام معصوم آورده‌اند:

«آن حضرت بر تمام مکانها اِشراف دارد و به زائران خود می‌نگرد، سلام آنها را می‌شنود و به آنها نیکوترین پاسخ را بر می‌گرداند» (مجموعه رسائل در شرح احادیثی از کافی، ج۲، ص۴۰۱).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

نیز درجات مختلف معنای سلام را بیان می‌دارد، به ویژه درجه‌ای از آن که در امر الهی آمده است: "صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا" (احزاب/۵۶). صلاة و تسلیم از مؤمنان بدان جهت است که: صلوات بر آنها در متابعت از خدا و ملائکه است، و سلام و تسلیم نسبت به ائمه شرط ایمان مؤمنان است، زیرا خداوند، تسلیم کامل مؤمنان در برابر پیامبر را شرط ایمان می‌داند (نساء/۶۵). به ویژه در فضای پس از رحلت پیامبر که عدم تسلیم در برابر وصیت حضرتش در امر خلافت و عدم تمکین در برابر غدیر، گسترش یافت. (همان، ص ۴۰۲-۴۰۳؛ بنگرید به تفصیل کلام او، در همان کتاب، ص ۴۰۱- ۴۱۵)

۴-۱. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ ابْنَ حُجَّتِهِ (سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا)

حجت الهی بودن امام بدین معناست که قول، فعل، تقریر و هرآنچه به معصوم نسبت دارد؛ حجت است. یکی از جلوه‌های حجت بودن امام این است که دلایل در روز قیامت و حساب، آن چنان متقن ارائه می‌گردد که راه هرگونه عذر و بهانه بر روی گنهکاران بسته می‌شود.

حجّت خدا معانی گسترده دارد. یکی از معانی آن در حدیث طولانی امام صادق علیه‌السلام آمده است، به این مضمون که در روز قیامت، سه تن را به عنوان حجت می‌آورند که به گناه نیفتادند: یکی مریم علیهاالسلام با وجود زیبایی که حجّت بر زنان زیبای گنهکار می‌شود، دوم یوسف علیه‌السلام که به زیبایی و عفاف خود حجت بر مردان زیبای گنهکار می‌شود، سوم ایوب علیه‌السلام که با وجود گرفتاری‌های زیاد، صبر و شکر را از دست نداد و حجت می‌شود بر کسانی که به بهانهٔ گرفتاری‌ها به گناه افتادند (کلینی، ج۲، ص۳۳). زائر با این فراز متذکر می‌گردد که باید همواره به تکلیف عمل کند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

مولی محمدتقی مجلسی در توضیح این جمله می‌نویسد: "حجت خدا و پسر حجّت خدا یعنی امامی که از جانب خدا امامی، و امامتت از خلق نیست مثل دیگران. و حجت خود را به معجزات با آشکار بر حقیقت امامت خود بر خلق تمام کردی مثل پدرت" (محمدتقی مجلسی، لوامع صاحب قرانی، ج۸ ص۶۱۱). در تأیید این کلام، دست کم دو مورد از زندگی امامان معصوم علیهم‌السلام را دیده‌ایم که فردی به حضور ایشان رسیده و پس از دیدن معجزات یا شنیدن حکمت‌های بارز از آن گرامی خطاب به حضرتش گفته است: اشهد انک حجته علی خلقه (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴ ص ۱۱۵، ج ۵۰ ص ۲۵۷)

۴-۲. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ اللَّهِ وَ ابْنَ قَتِيلِهِ (سلام بر تو ای کشته راه خدا و فرزند کشته راه خدا) این جمله می‌رساند که قتل در راه خدا انسان را به دار سلام می‌رساند و او را شایسته سلام می‌کند. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده است:

أسألك أن تجعل وفاتي قتلا في سبيلك تحت راية نبيك مع أوليائك (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ج۱، ۳۹)

بدین ترتیب یکی از آثار زیارت مطلقه، مجاهد و مبارز شدن زائر معرفی می‌شود که او را از سستی و تنبلی خارج می‌سازد، و مجاهد و تلاشگر تربیت می‌کند.

مولی محمد تقی مجلسی می‌نویسد:

قتیل الله و ابن قتیله، یعنی: ای کسی که تو را به ناحق شهید کردند، و حق سبحانه و تعالی طلب خواهد کرد خون تو را به حضرت صاحب‌الامر صلوات‌الله‌علیه (محمدتقی مجلسی، لوامع صاحب قرانی، ج۸ ص۶۱۱). وی این معنای غلط را ردّ می‌کند که بعضی پنداشته‌اند "خدا او را کشته است" (همان).

مولی محمدباقر مجلسی می‌نویسد: قتیل الله، أی: الذی قتل لله أو فی سبیله، أوالقتیل الذی طلب دمه و ثاره الی الله (محمدباقر مجلسی، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار ج ۹ ص ۱۳۲؛ مرآة العقول ج ۱۸ ص ۲۹۸؛ بحارالانوار ج۹۸ ص۱۵۴) البته هر سه معنا در یک راستا است و همه را می‌توان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

پذیرفت.

۴-۳. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ (سلام بر تو ای خونِ ریخته در راه خدا و فرزند چنین خونی) زائر شهادت می دهد که حسین بن علی علیه‌السلام خون خود را در راه خدا و حفظ اسلام فدا کرد. جایی که امام حسین خود را فدای مکتب می‌کند؛ جایی برای مصلحت‌اندیشی نمی‌ماند و باید آماده جان فشانی برای مکتب شد.

وقتی إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (انعام،۱۶۲) به راستی و کمال انجام شد؛ انسان ثار خدا می‌گردد و خداوند خود به خونخواهی او بر می‌خیزد. زائر با این جمله متذکر می‌گردد که نباید با اولیاء خدا در افتاد که خونخواه آنها خدای توانا است: **الذي يطلب الله بدمه من أعدائه** (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج۹، ۱۳۶). و کسی را یارای مقاومت در برابر او نیست.

نیز این پیام را در بردارد که خونخواهیِ خداوند، به وسیلهٔ حضرت مهدی علیه‌السلام و یارانش خواهد بود، چنانکه در زیارت عاشورا و منابع دیگر تصریح شده است.

۴-۴. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وِتْرَ اللَّهِ الْمَوْتُورَ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ (سلام بر تو، خون خدا که خداوند، از قاتلانِ کشتگانِ در راه خود هنوز انتقام نگرفته است). جایی‌که امام‌حسین علیه‌السلام در دفاع از دین تنها می‌ماند؛ زائر متوجه می‌گردد در راه دفاع از دین از تنهایی نهراسد؛ همانگونه که امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود:

أيها الناس لا تستوحشوا في طريق الهدى لقلة أهله، فان الناس قد اجتمعوا على مائدة شبعها قصير و جوعها طويل (مفید۱۴۱۳ق، ۱۳۷) ای مردم در راه راست، از کمیِ روندگان نهراسید؛ زیرا اکثریّت مردم بر گرد سفره‌ای جمع شده‌اند که سیریِ آن کوتاه، و گرسنگیِ آن طولانی است.

در خصوص این جمله، در کتاب وافی آمده است: **الموتور من قتل له قتيل فلم يدرك بدمه** (فیض کاشانی،۱۴۰۶ق، ج۱۴،۱۴۸۶) و در ادامه می‌گوید: **المراد به الفرد؛ و إضافته إلى اللّه إمّا**

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

بمعنی أنّه فرد في عبادة اللّه أو محبّته أو رتبته عند اللّه (همان). علامه مجلسی در کتاب ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار در این خصوص می‌گوید: أي الفرد المتفرد في الكمال من نوع البشر في عصره الشريف (مجلسی،۱۴۰۶ق، ج۹، ۱۳۶). در کتاب الفایق فی غریب الحدیث می‌خوانیم:

إن اللّه وترٌ يحب الوتر فأوتروا. خدا فرد و یگانه است و یگانگی را دوست دارد. پس او را فرد و یگانه بدانید. او فردِ زوج است. یعنی ثلاث اثنین است و خامسِ اربع است. و إذا استجمرت فأوتر. زمانی که برای رمی جمرات سنگ جمع می‌کنی؛ فرد جمع کن. (زمخشری، ۱۴۱۷، ج۳، ۳۴۳)

مهمترین فایده‌ای که زائر در این فقره از آن بهره‌مند می‌شود؛ این است که انسان در مسیر الهی مأمور به انجام تکلیف است؛ حتی اگر تنها شد و کشته شد؛ نتیجه را به خدای علیم و حکیم وا گذارد.

۵- توضیحاتی در مورد شهادت‌های زیارت مطلقه

۵-۱. أَشْهَدُ أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ وَ اقْشَعَرَّتْ لَهُ أَظِلَّةُ الْعَرْشِ، وَ بَكَى لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ، وَ بَكَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرَضُونَ السَّبْعُ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَنْ يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ وَ النَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبِّنَا وَ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى. گواهی می‌دهم که خون تو در بهشت جاوید، جایگیر شد و عرش به خاطر این مصیبت لرزید و برای او تمام خلایق، آسمانهای هفتگانه، زمینهای هفتگانه و آنچه در آنها و ما بین آنهاست و هرچه در بهشت و دوزخ از مخلوقات است و آن چه دیده می‌شود و دیده نمی‌شود؛ گریستند.

فیض کاشانی می‌نویسد: "دمك سكن فی الخلد، أی: لم يسكن دمك فی الأرض، بل يضطرب بعد و يفور، و إنّها سكن فی الجنان التی هی دار الخلود" (فیض‌کاشانی،۱۴۰۶ق، ج۱۴، ص۱۴۸۹).

علامه مجلسی نوشته است: "در بعضی از کتب زیارت آمده است: اظلّة العرش مع اظلّة الخلائق. یعنی: هفت آسمان و کرسی و حجابها... یا ساکنان عرش، از ارواح مقدس و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]
[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

ملائکه...." (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۹ ص ۱۳۴)

عرش چیست؟ و چگونه به سبب خون مظلوم کربلا لرزید؟ در خصوص حقیقت عرش در روایتی می‌خوانیم:

ذَاكَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام فِيمَا يَرْوُونَ مِنَ الرُّؤْيَةِ. فَقَالَ: الشَّمْسُ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءاً مِنْ نُورِالْكُرْسِيِّ، وَ الْكُرْسِيُّ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءاً مِنْ نُورِ الْعَرْشِ، وَ الْعَرْشُ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءاً مِنْ نُورِ الْحِجَابِ، وَ الْحِجَابُ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءاً مِنْ نُورِ السِّتْرِ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۹۸) از امام‌صادق علیه‌السلام در خصوص رؤیت سوال کردم. فرمود: خورشید جزئی از هفتاد جزء کرسی است و کرسی جزئی از هفتاد جزء عرش است و عرش جزئی از هفتاد جزء حجاب است و حجاب جزئی از هفتاد جزء نور ستر است.

این روایت، افق دید زائر را تا بیکران می‌برد. و او را متوجه می‌سازد که نه تنها زمین بلکه عالم هستی در مقابل حادثه کربلا متاثر می‌باشد.

۵-۲. أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ ابْنُ حُجَّتِهِ. در این جمله، زائر به حجت و برهان قاطع بودن امام معصوم علیه‌السلام شهادت می‌دهد. و بر مراقبت و محافظت اعمال خود می‌افزاید. شهادت بر یک امر یعنی پذیرفتن این مطلب - به نحو شهود عینی نه فقط بحث خشک استدلالی- که فعل و قول معصوم، معیار و میزان حق است.

۵-۳. وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَتِيلُ اللَّهِ وَ ابْنُ قَتِيلِهِ. گواهی می‌دهم که تو کُشته خدا و فرزند کشته خدایی. شهادت به کشته شدن امام در راه دین الهی، شهادت در مقابل غیب است. آن که می‌بیند امام در راه دین جان فشانی می‌کند؛ در طی مسیر الهی پایداری به خرج می‌دهد و خود را موظف می‌کند که در مسیر شهادت قدم بردارد.

۵-۴. وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ وَ نَصَحْتَ وَ وَفَيْتَ وَ أَوْفَيْتَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَ مُسْتَشْهَداً وَ شَاهِداً وَ مَشْهُوداً. گواهی می‌دهم که تو در راه خدا تبلیغ کردی و امت را نصیحت و ارشاد نمودی و به عهد خدا وفا کرده و حق را ادا

نمودی و در راه خدا به شایستگی تمام جهاد کردی و در این راه به شهادت رسیدی و به مقام شاهد و مشهود نایل شدی.

علامه مجلسی می‌نویسد: کلمهٔ أوفیت، از آیهٔ قرآن است که: **من اوفی بما عاهد علیه الله** (فتح:۱۰) یا به معنای وفای کامل و ادای تمام آنچه برای هدایت و خیرخواهی ضرورت داشت، مانند این آیه که: **و ابراهیم الذی وفّی** (نجم:۳۷) (ملاذ، ج ۹ ص ۱۳۶؛ بحار، ج ۹۸ ص ۱۵۵).

مولی محمدتقی مجلسی شبیه این جملات را در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آورده و در توضیح آن می‌نویسد: "به عهدهای الهی عمل نمودی و وفا کردی، و سخنان خدا را تماماً به خلق رسانیدی، و هرچه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به خلق نرسانیده بود – چون وقتش نشده بود– تو رسانیدی در وقت خود" (محمدتقی مجلسی، لوامع، ج ۸ ص ۶۰۳).

وی می‌افزاید: «در جمیع این فقرات، کنایات است که آن جماعتی که بر تو تقدّم جستند به حسب ظاهر، غرض ایشان احیای کفر بود. و با وجود تقدم بر تو، آنچه بایست، کردی و نگذاشتی که مطالب (= خواسته‌های) ایشان به فعل آید، و غرضت رضای الهی بود... و در راه دین کوشیدی تا شهید شدی و شاهد خلایق شدی. و رسول خدا شهادت داد و خواهد داد که هرچه بایست، کردی...» (همان، ص۶۰۳).

نیز در جای دیگر می‌نویسد: «**و مشهودا، یشهد لک الله و رسوله و الملائکة و المؤمنون بأنک کنت مع الحق، و کان الحق معک أینما کنت**» (محمدتقی مجلسی، روضة المتقین، ج ۵ ص ۴۱۳).

علامه مجلسی ذیل جمله "مضیت للذی کنت علیه" شش معنا برای لام (در للذی) آورده و بر آن اساس معانی مختلف برای جمله آورده است. (بنگرید: ملاذ الاخیار، ج ۹ ص ۶۴-۶۵؛ مرآة العقول ج ۱۸ ص ۲۹۹-۳۰۰؛ بحار الانوار، ج ۹۷ ص ۲۷۷)

زائر با شهادت به ابلاغ دین، خیرخواهی، وفاداری در تحقق کامل حق و مجاهدت در راه خدا توسط امام، خود به سمت دعوت به حق و خیرخواهی برای مردم سوق پیدا می‌کند. و از امام می‌آموزد که برای تحقق اهداف مقدس باید شهادت‌جو باشد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

۵-۵. أَنَا عَبْدُ اللَّهِ. زائر اگر متوجه این امر باشد که آزاد نیست و بنده است؛ از میزان و صراطی که برایش ترسیم شده خارج نمی‌شود.

شاید تأکید بر عبودیت خدا بدان جهت باشد که در ذهن زائر، شبهۀ غلوّ پیش نیاید، و فراموش نکند که در هر حال، بندۀ خداست و بس. چنانکه در آغاز زیارت جامعه کبیره به زائر امر شده که صد بار تکبیر بگوید.

مولی محمدتقی مجلسی در مورد وجه آن گوید: "دور نیست که وجه تکبیر گفتن این باشد که اکثر طبایع مایل است به غلوّ، مبادا از عبارات امثال این زیارات به غلوّ افتد، یا از بزرگی حق سبحانه و تعالی غافل شود" (محمدتقی مجلسی، لوامع، ج ۸ ص۶۶۶. نیز بنگرید: شرح مبسوط در مورد تفاوت میان فضیلت و افضلیّت، و نفی عقیدۀ غالیان در این زمینه، که در همان کتاب، ص ۶۶۷ آمده است).

۵-۶. وَ مَوْلَاكَ (دوست تو) اقرار به حب و دوستی امام حسین علیه‌السلام و پیوند ولایت با حضرتش جدا از عبودیت و بندگی خدا نیست. زائر ابتدا به بندگی خدا اقرار می‌کند: انا عبدالله، و سپس به حب و ولایت امام اقرار می‌کند.

مولی محمدتقی مجلسی می‌نویسد: مولای توام که نعمت هدایت بر من داری، و به برکت ولایت تو، آزاده کردۀ توأم از آتش دوزخ، یا دوست توأم و در فرمان و به درگاه تو آمده‌ام (محمدتقی مجلسی، لوامع، ج ۸ ص ۶۱۳).

۵-۷. وَ فِي طَاعَتِكَ. امام حسین علیه‌السلام اطاعتی فراتر از اوامر و دستورات الهی از کسی نمی‌پذیرد. زائر می‌آموزد که: الرَّاغِبُ عَنْهُمْ مَارِقٌ وَ الْمُقَصِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ (کوفی،۱۴۱۰، ۳۹۶). و این اطاعت همان اطاعت از اولوالامری است که خدا بدان دستور داده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ (نساء۵۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید. پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید؛ اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید؛ آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

عرضه بدارید. این بهتر و نیک فرجامتر است.

در آیه مذکور، مومنین را به اطاعت خدا، رسول و اولوالامر دعوت می‌کند؛ و در ادامه می‌فرماید: اگر در امری دچار اختلاف شدید؛ به خدا و رسول مراجعه کنید؛ سیاق آیه نشان می‌دهد خداوند علیم ازاینکه امت پیامبر در اولوالامر دچار اختلاف می‌شوند؛ آگاه بوده است. از صدها روایت و بویژه حدیث غدیراستنباط می‌شود که صاحبان امر همان اهل بیت هستند. صاحب تفسیر تسنیم در ذیل آیه مذکورمی‌گوید: در صورت تنازع، رجوع به کتاب خدا و سنت پیامبر اکرمﷺ برای مؤمنان خیر است و عاقبتی نیکو و خوش دربر دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج۱۹، ۲۴۰)

۵-۸. وَ الْوَافِدُ إِلَيْكَ (به تو پناه آورده‌ام) امام حسین‌علیه‌السلام از خاندان کرم است و پناه آورندگان خود را بدون صله و پاداش برنمی‌گرداند. در زیارت مأثور آمده است: إِنَّ لِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةً وَ لِكُلِّ زَائِرٍ كَرَامَة (مفید، ۱۴۱۳ق، ۱۶۲؛ همین مضمون: کامل الزیارات ص ۲۲۵)

۶- توضیحاتی در مورد درخواستهای متن زیارت مطلقه

۶-۱. أَلْتَمِسُ كَمَالَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللَّهِ (جویای مقام کاملی در پیش خدا هستم). زائر که تحت تربیت امام قرار می گیرد؛ یکی از درخواستهایش منزلت وتقرب الهی است.

۶-۲. وَ ثَبَاتَ الْقَدَمِ فِي الْهِجْرَةِ إِلَيْكَ (پایداری در هجرت به درگاهت). زائر می‌فهمد که برای پیمودن راه امام، استقامت و پایداری نیاز است. علامه طباطبایی در خصوص آیه: إِنَّ الَّذِينَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلائِكَةُ أَلاَّ تَخافُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (فصلت۳۰) بحثی آورده تحت عنوان «بیان حسن حال مؤمنین استقامت پیشه و آینده نیکویی که در انتظارشان است»، و در آن می‌نویسد: این آیه و آیه بعدش حسن حال مؤمنین را بیان می‌کند که در انتظار آنها است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج۱۷، ۵۹۱)

مولی محمدتقی مجلسی در توضیح جمله می‌نویسد: "ثبات القدم... للزيارة أو الولاية" (روضةالمتقین، ج ۵ ص۴۲۹) و در شرح آن می‌نویسد: «مهاجرت از وطن و اهل و عیال به سوی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

تو، یا مهاجرت از دشمنان تو، به سوی تو» (لوامع، ج ۸ ص ۶۱۴).

علامه مجلسی پس از نقل این موارد افزوده است: احتمال می‌رود که "فی" برای تحلیل باشد، یعنی: ثبات القدم فی الدین، أو فی ولایتک لهجرتی الیک (ملاذ الاخیار، ج ۹ ص ۱۳۷؛ بحارالانوار ج ۹۸ ص ۱۵۵).

۶-۳. وَ السَّبِيلَ الَّذِي لَا يَخْتَلِجُ دُونَكَ مِنَ الدُّخُولِ فِي كَفَالَتِكَ الَّتِي أُمِرْتَ بِهَا. خواهشم آن است که در هجرت به سوی تو پایدار باشم و برای وارد شدن در کفالت و حمایت تو که به آن مامور گشته‌ای.

زائر وقتی به سوی امام حرکت کرد، در واقع به راهی قدم می‌گذارد که دغدغه و اضطرابی ندارد و خود را تحت سرپرستی و ولایت امام قرار می‌دهد.

مولی محمدتقی مجلسی می‌نویسد: "اسئلک منک أن تدخلنی فی کفالتک و حفظک و رعایتک حتی لا یمکن لأحد أن ینتزعنی عنک کما ینتزع اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله عند الحوض" (روضة المتقین، ج ۵ ص۴۲۹). وی در توضیح این جمله در لوامع صاحب قرانی می‌نویسد: «حق سبحانه و تعالی مرا بدارد به راهی که هر که در آن راه باشد او را نربایند و مانع نشوند در روز قیامت؛ یا در دنیا و عقبی از داخل شدن در پناه تو و در ضمان و عهد و پیمان تو که امر کرده خلایق را که در آن عهد داخل شوند؛ یعنی: امر کرده به ولایت اهل بیت رسولت، و مقررّ فرموده که هر که ولای اهل بیت داشته باشد، فردای قیامت - یا در دنیا و عقبی- در کفالت و پناه توست، و کسی از شیاطین جنّ و انس او را اضلال نتوانند کرد. و در روز قیامت که در حوض کوثر بر تو وارد شود، ملائکه او را نربایند که به جهنم برند» (لوامع صاحب قرانی، ج ۸ ص ۶۱۴). وی به حدیثی استناد می‌کند که در روز جزاء پیامبر گروهی را از ورود بر حوض باز می‌دارد، با اینکه صحابه بوده‌اند.

همین مضامین را علامه مجلسی به بیان خود آورده است (ملاذ الاخیار، ج ۹ ص ۱۳۸؛ مرآة العقول، ج ۱۸ ص ۳۰۰-۳۰۱؛ بحارالانوار، ج ۹۸ ص ۱۵۵).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

۷- شئون و مقامات اهل بیت علیهم‌السلام در زیارت مطلقه

۷-۱. مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِكُمْ (هر که آهنگ خدا کند؛ از شما آغاز کند). زائر برای ورود در بارگاه الهی راهی جز راه امام ندارد. چنانچه در قرآن فرمود: وَ أْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوابِها (بقره ۱۸۹). رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله خود را شهر علم و علی علیه‌السلام را درِ آن معرفی نمود (ابن طاووس، ۱۳۷۴، ۳۰۲). بدین ترتیب یکی از آثار و فوایدی که نصیب زائر می‌گردد؛ این است که راه را در پرتو زیارت می‌یابد و می‌فهمد که راه همان راه ائمه است.

۷-۲. بِكُمْ يُبَيِّنُ اللَّهُ الْكَذِبَ (به وسیله شما خدا دروغ را آشکار کند). ائمه معصومین همان صراط مستقیمی هستند که معیار تشخیص دروغگو و راستگو هستند. نَحْنُ وَ اللَّهِ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيم (قمی،۱۴۰۴، ج۲، ۶۶) زائر باید حرکات و سکنات خود را با محک و معیار حضرات معصومین علیهم‌السلام بسنجد. چرا که تنها راه تشخیص نفاق که همان کفر درونی است؛ عمل امام معصوم است. از پیامبر اسلام نقل شده: كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَ يُبْغِضُ عَلِيّا (ابن بابویه،۱۳۷۶، النص، ۱۲۶) زائر در این فراز متوجه می‌شود که کسی که مخالف راه و عمل امام حرکت می‌کند؛ دروغگویی بیش نیست.

۷-۳. وَ بِكُمْ يُبَاعِدُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْكَلِبَ (به خاطر شما خداوند، روزگار دشوار و گزنده را دور کند.) این فراز زائر را متوجه دولت مهدوی می‌کند و نور امید و رهایی از دردهای زمان در دلش ایجاد می‌گردد. یباعد بکسر عین: یباعدالکلب الشدید بظهور صاحب الزمان علیه‌السلام روزگار دشوار با ظهور حضرت حجت ارواحنا فداه پایان می‌یابد. (مجلسی،۱۴۰۶، ج۵، ۴۳۰)

۷-۴. وَ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ (هر فتح و گشایشی به وسیله شما صورت می‌گیرد). همانگونه که راه شناخت و معرفت خداوند ائمه معصومین هستند؛ هیچ فیضی به سوی کسی گشوده نمی‌شود؛ مگر با عنایت و گشایش توسط ایشان.

۷-۵. وَ بِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ هر خاتمه‌ای به عنایت امام افزایش و کاهش می‌یابد. برخی از روایات، تاثیر زیارت امام حسین علیه‌السلام را بر افزایش عمر و وسعت رزق بیان کرده و ترک

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

زیارت را مایه کاهش عمر و رزق شمرده‌اند. مثال:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه‌السلام قَالَ: مُرُوا شِيعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام فَإِنَّ إِتْيَانَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ يَمُدُّ فِي الْعُمُرِ وَ يَدْفَعُ مَدَافِعَ السَّوْءِ، وَ إِتْيَانَهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يُقِرُّ لِلْحُسَيْنِ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ. (ابن قولویه،۱۳۵۶،۱۵۱) امام باقر علیه‌السلام فرمود: توصیه و امر کنید شیعیان ما را که به زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام حرکت کنند؛ زیرا زیارت حضرتش مایه زیادتی در رزق، عمر طولانی و رفع سوء و بدی خواهد بود. بلکه رفتن به زیارت حسین علیه‌السلام، بر هر مؤمنی که به امامت او معترف است؛ یک فریضه است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَالَ: لَا تَدَعْ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه‌السلام، وَ مُرْ أَصْحَابَكَ بِذَلِكَ، يَمُدُّ اللَّهُ فِي عُمُرِكَ وَ يَزِيدُ فِي رِزْقِكَ وَ يُحْيِيكَ اللَّهُ سَعِيداً وَ لَا تَمُوتُ إِلَّا شَهِيداً وَ يَكْتُبُكَ سَعِيداً. (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج۱۴، ۴۳۱) امام صادق علیه‌السلام فرمود: ای عبدالملک هرگز زیارت امام حسین علیه‌السلام را ترک مکن، بلکه اصحاب و یارانت را به این مسئله توصیه و امر کن. خداوند در سایه زیارت حسین علیه‌السلام عمر تو را طولانی و رزقت را فراوان می‌کند. و حیات و ممات تو را با سعادت قرین می‌گرداند و تو را در زمره سعادتمندان محسوب می‌دارد.

۷-۶. وَ بِكُمْ يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَ يُثْبِتُ. خدا آنچه را بخواهد محو یا اثبات کند؛ بوسیله شما انجام می‌دهد. خدای سبحان قدرت دارد که وضع هر کسی را تغییر دهد: گذشته را محو کند: يَمحوا اللهُ ما يَشاءُ ويُثبِتُ وعِندَهُ أُمُّ الكِتاب (رعد۳۹) گناهکاران را می‌بخشد و وارد بهشت می‌شوند، چنانکه گذشته خود و عفو الهی را به یاد نمی‌آورند. و در روایت آمده است: گناهکارانی که از جهنّم نجات می‌یابند؛ شرم کرده و از خداوند درخواست می‌کنند که جمله جهنّمیون عتقاء الرحمن من النّار را که نشان پیشینه جهنّمی بودن آنهاست؛ از چهره آنان پاک کند و خداوند نیز خواسته‌شان را می‌پذیرد. بالاتر از این، صفحه خاطرات بهشتیان پیراسته است از آنچه سبب اندوهگینی آنان شود:

وقالُوا الحَمدُ لِلّهِ الَّذي أذهَبَ عَنَّا الحَزَن (فاطر۳۵). برای نمونه حضرت نوح علیه‌السلام به یاد

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

نمی‌آورد که فرزند کافرش اکنون در آتش می‌سوزد. در نتیجه غمگین نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج۱۱، ۴۵۳). زائر با این فراز متوجه می‌شود که خداوند، عترت را سکاندار لوح محو و اثبات قرار داده و به عنایت آنان خطای او محو می‌گردد؛ برخی مفسران در خصوص این جمله که همان آیه ۳۹ سوره رعد است؛ می‌گویند: داستان نجات قوم یونس از این قرار است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج۱، ۳۸۷)، **فیفعل الله ما یشاء و یحول ما یشاء مثل قوم یونس** (عیاشی، ۱۳۸۰، ج۱، ۵۵)

۷-۷. **وَ بِكُمْ يَفُكُّ الذُّلَّ مِنْ رِقَابِنَا.** زائر از ذلت گناه رهایی می‌یابد. در زیارت جامعه کبیره به تعلیم امام هادی علیه‌السلام می‌خوانیم: **فَمَا أَحْلَى أَسْمَاءَكُمْ وَ أَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَعْظَمَ شَأْنَكُمْ وَأَجَلَّ خَطَرَكُمْ وَ أَوْفَى عَهْدَكُمْ وَ أَصْدَقَ وَعْدَكُمْ... وَ بِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ وَ فَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ وَ أَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرُفِ الْهَلَكَاتِ وَ مِنَ النَّارِ.** (ابن مشهدی، ۱۴۱۹، ۵۳۳) چه شیرین و گرامی است اسمها و جانهایی که به زیارتشان رفته است. و چه با عظمت و مهابت است؛ آستانهایی که به سوی آنها مشرف شده است. به وجود آنها رفع گرفتاری می‌شود. و غائله غم فرو می‌نشیند. و اندوه و ماتم رخت برمی‌بندد. و بهشت، برزخ و قیامت جای عذاب و آتش می‌نشیند.

بزرگترین ذلّ و خواری تمسک به گناه است. و ائمه همواره در صدد تزکیه انسانها هستند. در روایت دیگری آمده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَالَ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ مُحْتَسِباً لَا أَشَراً وَ لَا بَطَراً وَ لَا رِيَاءً وَ لَا سُمْعَةً، مُحِّصَتْ عَنْهُ ذُنُوبُهُ كَمَا يُمَحَّصُ الثَّوْبُ بِالْمَاءِ (ابن قولویه،۱۳۵۶، ۱۴۴) کسی که حسین بن علی علیه‌السلام را خالصانه و بدون شائبه زیارت کند و از انگیزه‌های تعدی و طغیان یا ریا و سمعه منزّه و مبرّا باشد؛ همه گناهان او شسته و پاک می‌شود؛ چنانکه لباس به وسیله آب شسته و پاک می‌شود.

۸-۷. **وَ بِكُمْ يُدْرِكُ اللَّهُ تِرَةَ كُلِّ مُؤْمِنٍ يُطْلَبُ بِهَا** به وسیلهٔ شما انتقام خون هر مومنی که

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

مورد مطالبه است؛ گرفته می‌شود. بزرگترین اثر و فایده‌ای که زائر با این فراز متوجه می‌شود؛ این است که تلاش او در جهت حفظ دین و اطاعت فرمان الهی، اگر منتهی به شهادت او گردد؛ به هدر نرفته و توسط اولیاء خداوند انتقام خونش گرفته می‌شود. و اعمال او در جهت استقرار حاکمیت دین الهی بی‌نتیجه نبوده است. همچنین می‌رساند که منتقم خون مؤمنان و پاکان، امام موعود و منتقم از خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است نه هر مدّعی دیگر.

۷-۹. وَ بِكُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا (به شما زمین، درختان را برویاند.) درختان و عالم تکوین به عنایت شما به سمت هدف حرکت می‌کنند. در این جمله زائر متنبه می‌گردد که اگر خود را در تحت تدبیر امام قرار دهد؛ به منتهای تکامل خواهد رسید. شاید مراد از شجر، خاندان باشد که از ارض انسانیت سر بر می‌آورند؛ چنانکه صاحب قاموس قرآن می‌گوید: اطلاق شجره بر نسل و خانواده شایع و معمول است (قرشی بنابی، ۱۴۱۲، ج۳، ۴۰)

۷-۱۰. وَ بِكُمْ تُخْرِجُ الْأَشْجَارُ أَثْمَارَهَا (درختان به عنایت شما ثمر می دهند).

۷-۱۱. وَ بِكُمْ تُنْزِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ رِزْقَهَا (به شما آسمان قطرات بارانش و روزیش را ببارد).

۷-۱۲. وَ بِكُمْ يَكْشِفُ اللَّهُ الْكَرْبَ: غم و اندوه با عنایت شما برطرف می‌شود. مشکلات و بلایا با لطف و نگاه امام مرتفع می‌گردد. در برخی روایات آمده است:

إن إلى جانبهم لقبرا ما لقاه مكروب إلّا نفّس اللّه كربته و أجاب دعوته (ابن عقده، ۱۴۲۴، ۱۳۹) امام صادق علیه‌السلام فرمود: در نزدیکی آنها قبری است که هیچ اندوهگین به سوی آن نرفته است؛ مگر این که خداوند سختی و مشکل او را برطرف و حاجتش را برآورده می‌کند.

امام رضا علیه‌السلام فرمود: انّ الحسین علیه‌السلام قتل مكروبا فحق على اللّه- جلّ ذكره- أن لا يأتيه مكروب إلّا فرّج اللّه كربه (ثقفی، ۱۳۹۵ق، ج۲، ۸۵۷) حسین علیه‌السلام با سختی و رنج به شهادت رسید. و شایسته است که هیچ رنجور و غمگینی به سوی او نرود؛ مگر اینکه خداوند او را

شادمان و با بر آورده شدن حاجتش برگرداند.

– عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه‌السلام قَالَ: إِنَّ الْحُسَيْنَ صَاحِبَ كَرْبَلَاءَ قُتِلَ مَظْلُوماً مَكْرُوباً عَطْشَاناً لَهْفَاناً فَآلَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى نَفْسِه أَنْ لَا يَأْتِيَهُ لَهْفَانٌ وَ لَا مَكْرُوبٌ وَ لَا مُذْنِبٌ وَ لَا مَغْمُومٌ وَ لَا عَطْشَانٌ وَ لَا مَنْ بِهِ عَاهَةٌ ثُمَّ دَعَا عِنْدَهُ وَ تَقَرَّبَ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه‌السلام إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا نَفَّسَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ وَ أَعْطَاهُ مَسْأَلَتَهُ وَ غَفَرَ ذَنْبَهُ وَ مَدَّ فِي عُمُرِهِ وَ بَسَطَ فِي رِزْقِهِ فَاعْتَبِرُوا يا أُولِي الْأَبْصار (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ۱۶۸)

امام‌حسین علیه‌السلام صاحب وادی بلا، مظلومانه و در حال سختی و تشنگی به شهادت رسید؛ از این‌رو خداوند اینگونه مقرر کرد که هیچ عطشان و خسته‌ای به سوی حسین علیه‌السلام حرکت نکند و هیچ گنهکار و غمگینی و هیچ انسان تشنه و هیچ انسانی که رنج به او روی آورده، در کنار قبر حسین علیه‌السلام دست به دعا برندارد؛ مگر اینکه خداوند سختی و مشکلات را از او بردارد و نیازش را پاسخ گوید و گناهش را بیامرزد و در عمر و روزی او توسعه دهد. ای صاحبان خرد و بصیرت عبرت گیرید.

۷-۱۳. وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ اللَّهُ الْغَيْثَ (و به شما خدا باران را فرو بارد).

۷-۱۴. وَ بِكُمْ تُسَبِّحُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ وَ تَسْتَقِرُّ جِبَالُهَا عَنْ مَرَاسِيهَا إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ وَ الصَّادِرُ عَمَّا فَصَلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ (بوسیله شما تسبیح گوید زمینی که بدنهای مطهر شما را برخود دارد؛ و کوههایش بوسیله لنگرهای آن مستقر گردد. و خواست پروردگار در اندازه کارهایش به سوی شما فرود آید. و از خانه‌های شما صادر گردد و نیز آنچه از تفصیل احکام بندگان صدور یابد)

این جمله یکی از مهم‌ترین شئون امامان معصوم علیهم‌السلام را بیان می‌دارد، که شرح آن در این مختصر نگنجد. در این زمینه گفته‌اند: «انسانهای کامل ظرف اراده خدا می‌شوند و به مقام وما تشاؤن إلاّ أن یشاء الله (دهر۳۰) می‌رسند و چیزی را نمی‌خواهند مگر آنکه خدا بخواهد. آنگاه هدایت تکوینی همه هستی (اعم از مادی و مجرد) را بر عهده می‌گیرند و همه موجودات را به اذن خدا رهبری می‌کنند. خلیفه خدا همان ید الله است که به

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

صورت آدمی کار می‌کند. در واقع خود خداوند است که آن فعل را انجام می‌دهد و خلیفه خدا، مجرای صدور فعل و مهبطِ هبوط و نزول اراده ربّ است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج۳، ۱۴۸)

۸- توضیح لعنت‌های زیارت مطلقه

۸-۱. لُعِنَتْ أُمَّةٌ قَتَلَتْكُمْ (لعنت بر آن امتی که شما را کشتند) کشتن امام به عنوان خلیفه الهی بزرگترین لعنها را در پی دارد. لعن همان طرد شدن از بارگاه رحمت الهی است. قتل بدون حق، منازعه با ربوبیت رب‌العالمین است (طباطبایی،۱۳۷۴، ج۵، ۵۱۶) زائر باید مراقب باشد تا به حرب و قتل اولیاء الهی آلوده نشود که لعن الهی را در پی دارد.

۸-۲. وَ أُمَّةٌ خَالَفَتْكُمْ (لعنت بر آن امتی که با شما مخالفت کردند). مخالفِ امام، در خور لعن است؛ چرا که مخالفت با امام، مخالفت با رسول‌ﷺ است و مخالفت با رسول‌ﷺ مخالفت با خداست.

۸-۳. وَ أُمَّةٌ جَحَدَتْ وَلَايَتَكُمْ (لعنت بر آن جماعتی که ولایت شما را منکر شدند) انکار ولایت اهل بیت، قائل شدن به عدم تداوم نبوت در چهره ولایت است.

۸-۴. وَ أُمَّةٌ ظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ (لعنت بر آن امتی که از دشمن شما پشتیبانی کردند) ابن طاوس در مبحثی تحت عنوان «عاقبت کار حاضرین در صحنه کربلا» این گونه نقل می‌کند: ابن ریاح روایت نمود کوری را دیدم که در صحنه کربلا حاضر بود. و از علّت کوری وی پرسیده شد.گفت: در روز عاشورا در کربلا حضور داشتم. بدون اینکه از نیزه، شمشیر و تیر استفاده کنم. بعد از شهادت امام، به خانه‌ام بازگشتم. و بعد از نماز عشاء خفتم. در رؤیا دیدم یکی گفت: دعوت پیامبر را اجابت کن. گفتم: مرا با او چکار؟ گریبانم را گرفت و کشید و نزد پیامبر برد. دیدم پیامبرﷺ در بیابانی نشسته و آستینها را تا آرنج بالا زده و حربه‌ای در دست دارد. فرشته‌ای در نزدش ایستاد. و شمشیری از آتش بدست داشت. بر هر کسی که شمشیر آتشین فرود می‌آورد؛ آتش

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

می‌گیرد و شعله‌های آتش از وی بلند می‌شود. جلو رفتم و نزدش بر زانو نشستم و گفتم: السّلام علیك یا رسول اللّه. جوابم نفرمود و مکث طولانی نمود. بعد سر را بالا کرد و فرمود: ای دشمن خدا حرمتم را رعایت نکردی. عترتم را کُشتی. و حقّم را رعایت ننمودی. و کردی آنچه کردی. گفتم: یا رسول‌اللّه، به خدا که شمشیری نزده و نیزه‌ای را فرود نیاورده و نیزه‌ای نیانداختم. فرمود: راست گفتی. و لیکن سیاهی لشکر بودی. نزدیکم بیا. نزدیکش شدم. طشتی پر از خون دیدم. فرمود: این خون فرزندم حسین است. از آن خون در چشمم کشید. از خواب جستم. از آن زمان تا کنون چیزی را نمی‌بینم (ابن طاووس،۱۶۲،۱۳۸۰) زائر متذکر می‌گردد در طی مسیر باید در جبهه حق قرار بگیرد. سکوت و بی‌طرفی به منزله در جبهه باطل بودن است چنان که گفته‌اند: الساکت عن الحق کالناطق بالباطل. (ابن طیفور، ۱۵)

۸-۵. وَ أُمَّةٌ شَهِدَتْ وَ لَمْ تُسْتَشْهَدْ (لعنت برآن امتی که حاضر بودند ولی تن به شهادت ندادند). عده‌ای در کربلا حضور یافتند؛ اما زمانی که دیدند که پیروزی ظاهری نصیب امام نمی‌شود؛ امام را رها کردند. مانند هرثمه بن سلیم که از همراهان امیرمؤمنان علیه‌السلام در جنگ صفین بود. و پیشگویی آن حضرت درباره شهادت امام حسین علیه‌السلام در کربلا را شنیده بود. و همراه لشکر حرّ مانع ورود وی به کوفه شد. پس از رسیدن به کربلا نزد امام حسین علیه‌السلام رفت. و آنچه را دیده بود؛ برای آن حضرت بازگو کرد. امام حسین علیه‌السلام پس از شنیدن سخنان وی فرمود: اکنون با ما هستی یا بر ما؟ گفت: هیچ یک. زیرا نگران زن و فرزند خود هستم. امام علیه‌السلام فرمود: حال که چنین است؛ از این منطقه دور شو. چون هرکس استغاثه ما را بشنود و یاریمان نکند؛ سزایش جهنم خواهد بود: فولّ هرباً حتي لاتري مقتلنا. فو الذي نفس حسين بيده لايري اليوم مقتلنا أحدٌ ثم لايعيننا إلاّ دخل النار (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج۵،۴۴۰)

افرادی مثل هرثمه معنای آیه النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ (احزاب۶) «پیامبر به مؤمنان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

از خودشان سزاوارتر [و نزدیکتر] است» را به دقت متوجه نشدند. یعنی اگر امر مخیر شد بین حفظ جان نبی و جان شخص، حفظ جان نبی در اولویت است. و در مورد امامت که تداوم نبوت است این دستور، ساری و جاری است. چنانکه در تفسیر المیزان می‌خوانیم: معنای أولی بودن رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله به مؤمنین از خود مؤمنین، این است که آن جناب نسبت به مؤمنین از خود مؤمنین اختیار بیشتری دارد. و معنای اولویت این است که فرد مسلمان هر جا امر را دائر بین حفظ منافع رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله و حفظ منافع خودش دید؛ باید منافع رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله را مقدم بدارد. (طباطبایی،۱۳۷۴، ج۱۶،۴۱۴) زائر متوجه باشد که صرف حضور در جبهه حق کافی نیست؛ بلکه استقامت تا مرز شهادت کمال است.

۹- حمد در زیارت مطلقه

- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَثْوَاهُمْ وَ بِئْسَ وِرْدُ الْوَارِدِينَ وَ بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ (حمد و ستایش مخصوص خدایی است که آتش دوزخ را جایگاه آنان قرار داد و چه بد منزلگاهی است که بر آن وارد می‌شوند) گفته‌اند: الوِرد بالكسر هو الماء الذي ورد العطاش عليه لشرب الماء لرفع عطشهم والنار ضدّ الماء وهي تزيد في عطشهم. فبئس وردهم. وفي بعض النسخ: «بئس الورد المورود». فالورد الذي هو النار مورود للواردين العطاش. فبئس الورد الذي يزيد في عطشهم. وِرد به کسر واو، آبی است که تشنه برای نوشیدن آب و رفع عطش برآن وارد می‌شود. و آتش ضد آب است و موجب زیادی عطش می‌گردد. و بد جایگاهی است و در برخی نسخه‌ها «بئس الورد المورود» ضبط شده که ورد به معنای آتش است و مورود به معنای عطشان است جایی که عطش را زیاد می‌کند بد جایگاهی است (سلیمانی آشتیانی و درایتی، ۱۳۸۷، ج۲، ۴۵۱) زائر خدا را شکر می‌گوید، زیرا خداوند دشمنان اهل بیت را وارد آتش می‌کند و آتشی که خدا برافروزد بد جایگاهی خواهد بود.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی(شیخ صدوق)،۱۳۷۶ش، **الأمالی**، کتابچی-تهران، چاپ: ششم.
۲)_____، ۱۴۱۳ق، **من لا یحضره الفقیه**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ: دوم.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی ،۱۳۷۴ش، **الطرائف** / ترجمه داود إلهامی، نوید اسلام – قم، چاپ: دوم.
۴. _____، ۱۳۸۰ش، **لهوف** / ترجمه میر ابو طالبی، دلیل ما – ایران ؛ قم، چاپ: اول.
۵. _____،۱۴۰۹ق، **إقبال الأعمال**، دار الکتب الإسلامیه – تهران، چاپ: دوم.
۶. ابن طیفور، احمد بن أبی طاهر، بی تا، **بلاغات النساء**، الشریف الرضی – قم، چاپ: اول.
۷) ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، ۱۴۲۴ ق، **فضائل أمیر المؤمنین**ﷺ، دلیل ما – ایران؛ قم، چاپ: اول.
۸) ابن غضائری، احمد بن ابی عبدالله، بی تا
۹) ابن قولویه، جعفر بن محمد، ۱۳۵۶، **کامل الزیارات**، دار المرتضویه – نجف اشرف، چاپ: اول.
۱۰) ابن مشهدی، محمد بن جعفر، ۱۴۱۹ق، **المزار الکبیر**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم – قم، چاپ: اول.
۱۱) ثقفی، ابراهیم بن محمد، ۱۳۹۵ ق، **الغارات أو الإستنفار و الغارات**، انجمن آثار ملی – تهران، چاپ: اول.
۱۲) جوادی آملی، عبدالله، **ادب فنای مقربان**، محقق: محمد صفایی، چاپ: سوم.
۱۳)_____، **پیامبر رحمت**، محقق: محمد کاظم بادپا –قم، چاپ: دوم.
۱۴) _____، ۱۳۸۸، **فلسفه زیارت**، انتشارات اسراء – قم.
۱۵) _____،۱۳۸۹، **تفسیر تسنیم**، محقق: احمد قدسی، چاپ: پنجم.
۱۶)حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، **تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه**، مؤسسه آل البیتﷺ – قم، چاپ: اول.
۱۷) حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۱ ق، **رجال العلامه**، دار الذخائر – نجف اشرف، چاپ: دوم.
۱۸)خویی، سید ابوالقاسم، **معجم رجال الحدیث**، بی تا.
۱۹) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴ش ، **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن**، مرتضوی – تهران، چاپ: دوم.
۲۰) زمخشری، محمود بن عمر،۱۴۱۷ق، **الفائق فی غریب الحدیث، دارالکتب العلمیه** – بیروت، چاپ: اول.
۲۱) سلیمانی آشتیانی، مهدی و درایتی، محمد حسین، ۱۳۸۷ش، **مجموعه رسائل در شرح احادیثی از الکافی**، دار الحدیث – ایران ؛ قم، چاپ: اول.
۲۲) طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، **المیزان**، ترجمه محمد باقر موسوی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳) طریحی، فخر الدین بن محمد، ۱۳۷۵ش، **مجمع البحرین**، مرتضوی – تهران، چاپ: سوم.
۲۴) طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ق، **تهذیب الأحکام**، دار الکتب الإسلامیه – تهران، چاپ: چهارم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]

۲۵) _____، **رجال الطوسی**، ۱۳۷۳ش، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین بقم المقدسه، چاپ: سوم.
۲۶) _____، **فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنّفین**.
۲۷) عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ق، **تفسیر عیّاشی**، المطبعه العلمیه - تهران، چاپ: اول.
۲۸) فیض کاشانی، محمد محسن ، ۱۴۰۶ق، **الوافی**، کتابخانه امام أمیر المؤمنین علی علیه‌السلام- اصفهان، چاپ: اول.
۲۹) قرشی بنابی، علی اکبر، ۱۴۱۲ق، **قاموس قرآن**، دار الکتب الاسلامیه - تهران، چاپ: ششم.
۳۰) قمی، عباس، ۱۳۸۵ش، **مفاتیح الجنان**، ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای، نسیم حیات، چاپ: اول.
۳۱) _____، ۱۳۹۰ش، _____، تحقیق: میر شفیعی خوانساری، سید فضل الله، سازمان اوقاف و امور خیریه ، چاپ اسوه.
۳۲)قمی، علی بن ابراهیم،۱۴۰۴ق، **تفسیر قمی**، دار الکتاب - قم، چاپ: سوم.
۳۳)کلینی، محمد بن یعقوب،۱۳۶۴ش، **الروضه من الکافی**/ ترجمه رسولی محلاتی، انتشارات علمیه اسلامیه - تهران، چاپ: اول.
۳۴)_____، ۱۴۰۷ق، **الکافی**، دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ: چهارم.
۳۵)کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، **تفسیر فرات کوفی**، مؤسسه طبع و نشر- تهران، چاپ: اول.
۳۶)مجلسی، محمد باقر ۱۳۹۶ ق، **زندگانی حضرت سجاد و امام محمد باقر** علیهماالسلام- تهران، چاپ: دوم.
۳۷) _____، ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوارالجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار**، دار إحیاء التراث العربی- بیروت، چاپ: دوم.
۳۸) _____،۱۴۰۶ق، **ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار**، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی- قم، چاپ: اول.
۳۹) مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶ق، **روضه‌المتقین فی شرح من‌لایحضره‌الفقیه**، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور - قم، چاپ: دوم.
۴۰) مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸ش، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی- تهران، چاپ: اول.
۴۱) مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، **الأمالی**، کنگره شیخ مفید - قم، چاپ: اول.
۴۲) _____، ۱۴۱۳ق، **المزار- مناسک المزار**، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید- قم، چاپ: اول.
۴۳) نجاشی، احمد بن علی، ۱۳۶۵ ش، **رجال نجاشی**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: ششم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.44.6.7]